خراسان
چهارشنبه، ۱۱ مهر ۱۴۰۳
شماره ۲۱۵۹۷
۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۶
۲ اکتبر ۲۰۲۴
WWW.KHORASANNEWS.COM

### با حکم دادگاه نمایان شد

# رخ نمایی «حلقه دار» از درون شعله های جنایت!

**اختصاصی خراسان**

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

آتش هوس آلود «خیانت» در حالی با «جنایتی هولناک» فروکش کرد که اکنون با صدور رای دادگاه، «حلقه دار» نیز از درون شعله های جنایت رخ نمایی می کند.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماجرای این جنایت وحشتناک عصر دوازدهم تیر سال ۱۴۰۰ هنگامی فاش شد که رهگذران و عابران دود غلیظی را در منطقه کوه پارک پردیس شاندیز مشاهده کردند که از لاشه سوخته خودروی ال ۹۰ سفید رنگ به سوی آسمان کشیده می شد اما ماجرای سقوط خودرو از بلندای کوه پارک زمانی رنگ وحشت به خود گرفت که جسد سوخته راننده نیز در پشت فرمان نمایان شد.

طولی نکشید که خودروهای پلیس آژیر کشان وارد منطقه شدند و امدادگران آتش نشانی را هم به یاری طلبیدند ولی حادثه سقوط خودرو با لورفتن کانون آتش سوزی بسیار مشکوک شد و فرضیه جنایی قوت گرفت چرا که بررسی های تخصصی نشان داد خودروی مذکور به صورت عمدی شعله ور شده است و آثاری از بروز حادثه بر اثر اتصالی سیم های برق خودرو وجود ندارد، بنابراین اقدامات پلیسی با ورود گروهی از کارآگاهان زبده پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) به محل سقوط خودرو، رنگ و بوی جنایی گرفت و دامنه تحقیقات با دستور قاضی گلمکانی (بازپرس وقت شعبه اول دادسرای عمومی وانقلاب طرقبه وشاندیز) در حالی به شهرک مهرگان رسید که یک دستگاه گوشی تلفن نیمه سوخته درون خودرو کشف شد. با آن که کمربند راننده جوان ال ۹۰ بسته بود اما گوشی تلفن در کف خودرو قرار داشت.

بازبینی تخصصی از محتویات گوشی رازی پنهان را نمایان کرد و مشخص شد راننده خودرو که «وحید» نام داشت اختلافات خانوادگی شدیدی با همسرش داشته است. مدتی بعد و با انتقال جسد به پزشکی قانونی، سرنخ های پلیس نیز بر اساس تجربیات ارزنده کارآگاه «نجفی» به زنی به نام «اعظم» رسید که همسر مقتول بود. تحقیقات نامحسوس و میدانی درباره اختلافات خانوادگی این زوج، ردپای پسرخاله اعظم را هم به میان کشید که پیامک های رمزآلودی بین آن ها رد و بدل شده بود.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است به همین دلیل کارآگاهان ابتدا عازم روستای کورده در اطراف بزرگراه آسیایی مشهد-چناران شدند و در یک عملیات غافلگیرانه دانیال (پسرخاله ۲۴ ساله اعظم) را دستگیر کردند و سپس دستبندهای قانون را هم بر دستان اعظم (همسر مقتول) حلقه زدند. دو متهم که با شگردهای فنی کارآگاهان و به طور ناگهانی با یکدیگر روبه رو شده بودند، دیگر چاره ای جز بیان حقیقت ندیدند و پرده از جنایت هولناک در پی عشقی خیانت آلود برداشتند. آنان همچنین محمد (جوان تبعه خارجی) را هم لو دادند که در این قتل وحشتناک نقش مهمی داشت.

در پی اعترافات آنان بی درنگ کارآگاهان به سراغ «محمد» رفتند و او را نیز بازداشت کردند. «دانیال» متهم ۲۴ ساله زوایای دیگری از این جنایت خیانت بار را فاش کرد و به سروان اسماعیل عظیمی مقدم (افسر پرونده) گفت: وقتی به دخترخاله ام دل باختم، شوهرش تنها مانع ازدواج ما با یکدیگر بود به همین دلیل و با پیشنهاد «اعظم» او را به قتل رساندیم و جسدش را با صحنه سازی واژگونی خودرو به آتش کشیدیم.

بنابر گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، با تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه جنایت، این پرونده جنایی با توجه به اهمیت و حساسیت آن به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و زیر نظر قضات باتجربه این شعبه به ریاست قاضی «محمد شجاع پورفدکی» مورد رسیدگی قرار گرفت.

عکس ها اختصاصی خراسان
تصویر متهمان در هنگام بازسازی صحنه جنایت

در جلسات دادگاه که با حضور وکلای مدافع متهمان برگزار شد، «اعظم» در جایگاه متهمان ایستاد و به سوالات تخصصی رئیس و مستشار دادگاه پاسخ داد. او گفت: حدود ۱۵ سال از زندگی مشترک من و پسرعمه ام (وحید) می گذشت اما من به او علاقه ای نداشتم و به ناچار به این زندگی مشترک ادامه می دادم. اختلافات ما به جایی کشید که هر بار مشاجره های لفظی و درگیری ها با کتک کاری به پایان می رسید. با وجود این وحید حاضر نبود مرا طلاق بدهد. دخترم به سن ۷ سالگی رسیده بود و تلاش هایم برای جدایی از او نتیجه ای نداشت تا این که در میان همین اختلافات و کینه ها به پسرخاله ام دل باختم و با این بهانه او را برای قتل همسرم ترغیب کردم...

در این هنگام حجت الاسلام محمد شجاع پورفدکی (رئیس دادگاه) به پیامک های ارسالی او اشاره کرد که بارها تاکید کرده بود «مگر او (وحید) بمیرد که از دستش خلاص شوم!» و سپس نقشه های شوم دیگر متهمان برای قتل را یادآور شد که مورد تایید متهمان قرار گرفت.

به گزارش روزنامه خراسان، متهم این پرونده جنایی در ادامه ماجرای این جنایت هولناک گفت: مدتی بعد نقشه قتل را در حالی کشیدیم که ارتباط عاطفی خاصی بین ما شکل گرفته بود. شب قتل (یازدهم تیر سال ۱۴۰۰) دانیال مقداری قرص خواب آور به من داد تا آن ها را به همسرم بخورانم. من هم که می دانستم وحید وقتی از کوهنوردی بازگردد پاهایش درد می کند، قرص ها را درون آب میوه حل کردم و منتظر ماندم. زمانی که شوهرم وارد خانه شد و از ناحیه پا ابراز درد کرد من از دختر ۷ ساله ام خواستم تا پاهای پدرش را ماساژ بدهد. خودم نیز لیوان آب میوه را به او تعارف کردم که با همان حالت خستگی آن را نوشید و خیلی زود دچار خواب آلودگی شد. بی درنگ برای دانیال پیامکی فرستادم که بیاید. مدتی بعد او به همراه دوستش (محمد) وارد اتاق شدند و همسرم را خفه کردند. سپس جسد را ساعت ۴ بامداد به کوه پارک شاندیز بردیم و به همراه خودرو به آتش کشیدیم.

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است در ادامه جلسات دادگاه، دانیال نیز به دفاع از خود پرداخت و در تشریح این جنایت تکان دهنده که به ماجرای خیانت باری گره خورده بود، گفت: در روزهای عید نوروز بود که «اعظم» مشکلات و اختلافات خانوادگی اش را با من در میان گذاشت و رازهای زندگی خود را باز گو کرد. من هم که به او علاقه مند شده بودم، پیشنهادش برای قتل را پذیرفتم و چندبار نقشه کشیدیم.

در اولین نقشه شوم تصمیم گرفتم تا «وحید» را هدف ضربات چاقو قرار بدهم، این بود که ابتدا ماجرا را برای «محمد» بیان کردم و از او خواستم مرا همراهی کند چرا که او افغانستانی بود و هیچ کس او را نمی شناخت. نهم خرداد یعنی حدود یک ماه قبل از قتل، شبانه و در حالی که ماسک به چهره داشتیم با هم به در منزل وحید در شهرک مهرگان رفتیم. زمانی که «وحید» با صدای زنگ در منزل را گشود، هدف ضربه چاقوی ما قرار گرفت ولی بعد «اعظم» با من تماس گرفت و گفت: می خواستم طوری او را بزنید که در بیمارستان بستری شود ولی حالا باید در منزل از او پذیرایی کنم! خلاصه «وحید» بعد از این ماجرا از یک فرد ناشناس شکایت کرد و متوجه موضوع نشد. در همین حال مدتی بعد از این حادثه دوباره تصمیم به قتل گرفتیم. شب یازدهم تیر بود که با پیام «اعظم» به همراه «محمد» به منزل آن ها رفتیم.

اعظم قرص هایی را که من به او داده بودم به شوهرش خورانده بود و او سعی می کرد با همان حال خواب آلودگی به صورت چهاردست وپا به سرویس بهداشتی برود. من و محمد به آرامی داخل اتاق رفتیم که در این هنگام اعظم دست شوهرش را گرفت و به طرف اتاق کشاند. او سپس تی شرت وحید را از تنش بیرون آورد و به داخل اتاق پرت کرد. من هم در حالی که محمد دست وپای او را گرفته بود با همان تی شرت او را خفه کردم. سپس جسد را در صندلی جلوی خودروی ال ۹۰ وحید (مقتول) گذاشتیم و ۳ نفری به طرف شاندیز به راه افتادیم. در میان راه ظرف ۴ لیتری بنزین هم خریدیم تا جسد را آتش بزنیم. حدود ساعت ۵ بامداد به کوه پارک شاندیز رسیدیم و چون من به منطقه آشنایی کامل داشتم خودرو را بالای کوه بردم و با کمک «محمد» جسد را پشت فرمان گذاشتیم. کمربند ایمنی را هم بستم تا نقشه واژگونی نقصی نداشته باشد. هنگامی که خودرو را اهل دادم چند بار معلق زد تا به پایین کوه رسید اما آتش نگرفت به همین دلیل خودمان پایین رفتیم و با ریختن ظرف بنزین روی خودرو، آن را با فندک به آتش کشیدم و...

بر اساس گزارش روزنامه خراسان، «محمد» متهم تبعه افغانستانی این پرونده جنایی نیز اظهارات و اعترافات همدستانش را تایید کرد و بدین ترتیب با پایان یافتن مراحل تحقیق و محاکمه، قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به شور نشستند و در نهایت رای خود را درباره این جنایت تکان دهنده صادر کردند.

بنا بر رای دادگاه که به امضای قاضی شجاع پورفدکی (رئیس) و قاضی آسیان یزد (مستشار) رسیده، دانیال متهم ردیف اول این پرونده به دلیل ارتکاب قتل مرد مسلمان به قصاص نفس از طریق حلقه آویزی با طناب دار، تحمل ۳ سال ونیم زندان برای آتش زدن عمدی خودرو، پرداخت دیه و تحمل ۷۴ ضربه شلاق به اتهام جنایت بر مرده و همچنین تحمل ۸۰ ضربه شلاق به دلیل نوشیدن شراب و یک سال و یک روز زندان برای به کارگیری چاقو محکوم شده است.

از سوی دیگر قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی، «اعظم» (متهم دیگر پرونده) را نیز به اتهام معاونت در قتل به تحمل ۲۵ سال زندان و همچنین ۲۱ ماه زندان برای معاونت در ایراد جرح با چاقو، معاونت در جنایت بر مرده و معاونت در آتش زدن عمدی خودرو محکوم کرده اند. بر اساس این رای قاطع، «محمد» متهم ردیف سوم این پرونده نیز به دلیل معاونت در قتل عمدی مرد مسلمان به تحمل ۲۵ سال زندان و ۸۰ ضربه شلاق به خاطر نوشیدن شراب و همچنین تحمل ۱۴ ماه حبس برای جنایت بر مرده و آتش زدن عمدی خودرو محکوم شده است.

به گزارش روزنامه خراسان، طبق قانون رای صادره در مهلت ۲۰ روزه قانونی قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است که با اعتراض وکلای مدافع متهمان در مرحله دیگری از دادرسی قرار می گیرد.

### در امتداد تاریکی

## وقتی مادرم بیهوش شد!

تصور می کردم که وقتی به مشهد مهاجرت کنیم در رفاه و آسایش زندگی خواهیم کرد چرا که در کلان شهرها امکانات بیشتری وجود دارد اما اکنون در حالی به خاطر هزینه های بالای زندگی در هم شکسته ایم که باز هم در یک ماجرای کتک کاری، مادرم بیهوش شد و پزشکان تشخیص دادند که ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات دختر ۱۹ ساله ای است که مدعی بود در خانواده ای نابسامان و آشفته زندگی می کند به طوری که دیگر تحمل این وضعیت اسفبار را ندارد.

این دختر جوان درباره سرگذشت غمبار خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری نجفی مشهد گفت: مادرم معلم ابتدایی بود که نه تنها به دانش آموزان خردسالش عشق می ورزید، بلکه دلسوزی و آبروداری هایش در زندگی نیز بر سر زبان ها بود. او به معنای واقعی کلمه برای من و خواهرم مادری می کرد اما درگیری و مشاجره های او با پدرم زندگی را بر ما تلخ می کرد. پدرم مردی پرخاشگر، عصبانی و بیکار بود که همواره چشم به حقوق مادرم داشت. اگر چه گاهی کیف و کفش همسایگان و اهالی محل را تعمیر می کرد و درآمد اندکی به دست می آورد ولی این مبلغ به هیچ وجه کفاف مخارج خودش را هم نمی داد به همین دلیل مدام با مادرم درگیر بود و زمانی که پولی از مادرم می گرفت تا مدتی ساکت می شد. خلاصه این رفتارهای ناشایست او به جایی رسید که از ۵ سال قبل مادرم ۳ بار به خاطر کتک کاری از پدرم شکایت کرد ولی باز هم به خاطر من و خواهرم او را بخشید و به زندگی مشترک ادامه داد. خواهر بزرگم بعد از پایان تحصیلات دانشگاهی استخدام شد و ازدواج کرد. در این شرایط مادرم با همان حقوق معلمی جهیزیه اش را فراهم کرد و او را به خانه بخت فرستاد. من که دیگر تنها شده بودم حتی از نگاه های پدرم می ترسیدم. این در حالی بود که مادرم بازنشسته شد و روزگارمان بیشتر به نابسامانی گرایید. حدود ۲ سال با پدرم قهر بودم و کلامی با او سخن نمی گفتم! فضای خانه بسیار غم آلود بود و من فقط چشم به مادرم می دوختم تا هزینه های تحصیل و نیازهای مادی ام را برطرف کند اما پدرم که قصد داشت سرمایه ای برای راه اندازی فروشگاه کیف و کفش فراهم کند به شدت عصبانی می شد چرا که انتظار داشت مادرم به جای خرید جهیزیه برای من، همان مبلغ را برای خرید لوازم به او بدهد! پدر ۵۷ ساله ام تازه در این سن وسال به فکر شغلی افتاده بود تا درآمدی داشته باشد! در این وضعیت منزل خودمان را در کاشمر اجاره دادیم و برای آن که پدرم شغلی دست وپا کند به مشهد مهاجرت کردیم. من هم خیلی خوشحال بودم، چون تصور می کردم در کلان شهر مشهد به رفاه و آسایش بیشتری می رسیم و با امکانات شهری، زندگی مرفهی را تجربه خواهیم کرد. ولی بعد از گذشت یک ماه پدرم کاری پیدا نکرد و به خاطر سرزنش های اطرافیان و فشار هزینه های زندگی دوباره به کاشمر بازگشت و ما را تنها گذاشت.

بعد از ۶ ماه وقتی دوباره به مشهد آمد، من از او تقاضای پول کردم تا برای خودم لباس بخرم! با این درخواست پدرم کنترل خودش را از دست داد و با عصبانیت وحشتناکی به سوی من حمله ور شد و مادرم سراسیمه و نگران خودش را روی من انداخت اما پدرم ضربات مشت و لگد را چنان بر پیکر او کوبید که همه بدنش سیاه و کبود شد و ناگهان از هوش رفت. من که وحشت زده به این صحنه ترسناک می نگریستم با فرار پدرم از خانه، بلافاصله با اورژانس تماس گرفتم و مادرم را به مرکز درمانی رساندم اما پزشکان تشخیص دادند که او به بیماری «ام-اس» مبتلا شده است. اکنون در حالی که مادرم تحت درمان قرار دارد من هم از این آشفته بازار زندگی خسته شده ام و گاهی افکار احمقانه ای بر ذهنم خطور می کند، حالا هم مستاصل به کلانتری آمده ام تا شاید راه چاره ای بیابم اما ای کاش...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است بررسی های کارشناسی و اقدامات مشاوره ای برای رهایی دختر جوان از این شرایط تاسف بار، با دستور ویژه سرهنگ ابراهیم خواجه پور (رئیس کلانتری نجفی مشهد) به مشاوران زبده دایره مددکاری اجتماعی سپرده شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

## اعدام، فرجام ۲ متجاوز به نوامیس مردم

توکلی- حکم اعدام ۲ متجاوز به عنف در کرمان اجرا شد. به گزارش خراسان، رئیس کل دادگستری کرمان بیان کرد: حکم اعدام ۲ نفر که در محور هفت باغ کرمان مرتکب چندین فقره تجاوز به عنف شده بودند در زندان مرکزی کرمان اجرا شد. حجت الاسلام ابراهیم حمیدی افزود: در خردادماه پارسال، به دنبال چند مورد تعرض از سوی افرادی ناشناس در هفت باغ، متهمان این پرونده در کمترین زمان ممکن از سوی ضابطین قضایی شناسایی و دستگیر شدند. رئیس کل دادگستری استان کرمان ادامه داد: این پرونده ۳ متهم داشت و دلیل اصلی ارتکاب جرم در این پرونده تعرض به نوامیس مردم به ویژه افراد و زوج های جوان بوده است. حجت الاسلام حمیدی گفت: در خصوص متهم سوم، به دلیل ارسال پرونده به دیوان عالی کشور برای رفع ابهام، پس از نظر دیوان عالی کشور، بر اساس آخرین تصمیمات قضایی اقدام خواهد شد.

صفحه آرایی
واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان
سفارش می پذیرد
روزنامه مجله ویژه نامه کتاب
اینفوگرافیک گرید لوگو
layout@khorasannews.com ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی کیفی (یکپارچه)
انجام عملیات بهسازی ابنیه، تاسیسات برقی و مکانیکی فرودگاه بین المللی شهید بهشتی اصفهان
مناقصه شماره TA120-1403-07-03
شرکت فرودگاه های کشور
شرکت فرودگاه ها و ناوبری هوایی ایران
اداره کل فرودگاه های استان اصفهان
اداره کل فرودگاه‌های استان اصفهان در نظر دارد انجام عملیات بهسازی ابنیه، تاسیسات برقی و مکانیکی فرودگاه بین المللی شهید بهشتی اصفهان (شامل پروژه های بهسازی ترمینال داخلی، بهسازی ساختمان مرکز وارسی پروازی، بهسازی بخش هایی از ساختمان اداری و تکنیکال بلاک و...) خود را بر اساس قانون برگزاری مناقصات، از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای همراه با ارزیابی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت واگذار نماید لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری و دریافت اسناد فراخوان از طریق درگاه سامانه مذکور به آدرس (www.Setadiran.ir) انجام می گردد و کلیه شرکت کنندگان در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاِ الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.
تاریخ انتشار و دریافت اسناد فراخوان از طریق سامانه ستاد از چاپ اولین روزنامه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ ساعت ۱۰ صبح تا مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۸ ساعت ۱۵
تاریخ بازدید مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ ساعت ۱۰ صبح
آخرین مهلت بارگذاری اسناد و پیشنهاد قیمت مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۳ تا ساعت ۱۲ ظهر
زمان قرائت پیشنهاد قیمت شرکت کنندگان مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۵ ساعت ۹ صبح
آدرس -اصفهان - میدان لاله - اتوبان شهید اردستانی - فرودگاه بین المللی شهید بهشتی اصفهان اداره کل فرودگاه های استان اصفهان - اداره امور مالی .تلفن ۰۳۱-۳۵۲۷۵۰۳۶، ۰۳۱۳۳۹۹۸۴۰۰
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :مرکز تماس ۰۲۱-۲۷۳۱۳۱۳۱
شناسه ۱۷۹۸۳۰۷

مراسم محوری بزرگداشت شهید سید حسن نصرالله و همرزمان شهیدش در بیرجند
همزمان با سراسر کشور
زمان: چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۱۱ بعد از نماز مغرب و عشاء
مکان: مسجد امام حسین (علیه السلام)
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی خراسان جنوبی
شناسه ۱۷۹۸۹۰۲

صرفه جویی در زمان
سفارش آنلاین آگهی در
روزنامه خراسان
www.37010.ir
پرداخت آنلاین